

در حمایت و لزوم پیوستن ایران به "اتحادیه کشورهای عرب" و "مجمع تورکی همکاری و توسعه"

علی دده بیگلو

[/http://tedepe.blogspot.com](http://tedepe.blogspot.com)

پس از آنکه سبحانی مدیرکل خاورمیانه عربی و شمال آفریقای وزرات امورخارجه ایران در سفر به مصر درخواست عضویت ایران در اتحادیه عرب به‌عنوان عضو ناظر را ارائه کرد چند تن از صاحب‌نظران و سیاستمداران فارس (آقایان هرمیداس باوند، ابراهیم یزدی و پیروز مجتهدزاده) به اظهار نظر و انتقاد در این باره پرداخته‌اند. هرچند هر سه این منتقدین در نظرات خود، به شرحی که در زیر می‌آید، از پیشگویی‌های عجولانه و تمایلات و احساسات قومیت‌گرایی فارسی فارغ نبوده‌اند، در بیانات و ارزیابی‌های آقای پیروز مجتهدزاده آشکارا موضع قومیت‌گرایی افراطی فارسی، سائقه‌های شدید نژادمحورانه، باستان‌گرایی-کوروشیسم و عصیت پرخاشگرایانه ضدعربی و ضدترکی غلیظ به چشم می‌خورد. از سوی دیگر دکتر صادق زیباکلام، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل استراتژیک این اقدام را از چند منظر قابل تحسین دانسته است. در این نوشته من ضمن تایید عمومی ارزیابی دکتر صادق زیباکلام، نه تنها از ضرورت پیوستن ایران به "اتحادیه کشورهای عرب" بلکه از لزوم پیوستن عاجل ایران به "مجمع تورکی همکاری و توسعه" دفاع نموده‌ام. قبل از آن نخست به منظور آشنایی با موضع طیف‌های گوناگون جریان قومیت‌گرایی فارسی در این مورد نظرات سه صاحب‌نظر مذکور را نقل می‌کنم:

دکتر داوود هرمیداس باوند میگوید که اتحادیه عرب تا به حال فاقد کارایی بوده است. وی تصمیمات این اتحادیه را بدون توجه به واقعیات و بر اساس پندارهای قبیله‌ای دانسته و پیشگویی کرده است که عضویت ایران به‌عنوان ناظر هیچ تأثیری در این تصمیمات نخواهد داشت و نمی‌تواند منافع خاصی برای ما به همراه داشته باشد. او رد این پیشنهاد که به گمانش هیچ مبنای منطقی ندارد از سوی اتحادیه عرب را، به‌عنوان یک امتیاز منفی برای کشوری مهم و تاریخی مانند ایران تلقی نموده است.

ابراهیم یزدی از نهضت آزادی و وزیر امور خارجه دولت موقت با بیان اینکه رد درخواست ایران از سوی اتحادیه عرب، موجب سرافکندگی برای دیپلماسی کشور است، گفته است: به هیچ وجه نمی‌توان تصمیم ایران مبنی بر پیوستن به اتحادیه عرب به‌عنوان عضو ناظر را، در راستای منافع ملی و موقعیت استراتژیک در منطقه ارزیابی کرد و افزوده است که هیچ توجیه منطقی و عقلانی برای چنین درخواستی از سوی ایران وجود ندارد. وی نیز پیشگویی نموده است که حضور ما در اتحادیه عرب حتی به‌عنوان ناظر نمی‌تواند باعث نقض تصمیم‌گیری‌های گذشته در مورد سیاست‌های این اتحادیه در منطقه شود و یا کمترین کمکی به حل اختلافات ایران با امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی بکند. (اظهارات فوق همچنین با توجه به نزدیک شدن روزافزون جریان سیاسی موسوم به ملی مذهبی به جریان قومیت‌گرایی افراطی فارسی نیز قابل تأمل اند).

پیروز مجتهدزاده مدیرعامل مؤسسه مطالعات استراتژیک یوروسویک لندن که عموماً مواضع بسیار غیردوستانه‌ای نسبت به ملل و کشورهای عربی و تورکی و همچنین اقوام تورک و عرب ایرانی دارد، در این باره از جمله میگوید (به اختصار): "ملیت عربی، هویت عربی، شخصیت ملی عربی بسیار عالی است؛ مبارکشان باشد، به ما چه ربطی دارد؟ ما که عرب نیستیم. تصمیم‌گیری‌های اتحادیه عرب برای حفظ هویت و شخصیت و استقلال ملت‌ها و کشورهای عرب است و هیچ ربطی به ما ندارد. اتحادیه عرب تشکیلاتی است که مدیریتش هویت عربی و اساس موجودیتش بر اساس ناسیونالیسم و پان عربیسم از نوع ناصری و صدام حسینی است و برای اعتلا بخشیدن به شخصیت و هویت عربی، ضدیت با ایران و بر اساس پان عربیسم به وجود آمده است. اساساً دشمنی با هویتها و ملیتهای غیرعربی و خصوصاً هویت ایرانی دارد و عضویت در آن نشان از عربی بودن آن ملت دارد. چرا باید شخصیت و هویت و ملیت خود را لگدمال کنیم و عضو تشکیلاتی شویم که مربوط به ملل عرب می‌شود و در آنجا هویت و ملیت و شخصیت ملی مستقل خود را با علامت سؤال مواجه کنیم. آن اتحادیه اساس کارش تنها دشمنی با هویت ملی دیگران است از جمله هویت ملی ایرانی."

وی می‌افزاید: "تصمیم‌گیران وزارت خارجه ما به کلی از مرحله پرت هستند. وزارت خارجه سرخود چنین تقاضایی کرده است و با این کار هویت چند هزار ساله یک ملت را خدشه دار نموده است. یک چنین تقاضایی که برای همکاری مایه گذاشتن از هویت ملی مطرح شود مطلقاً بیجاست. چطور است اصلاً اسم خودمان را بگذاریم رئیس کل عربها؟ ورود به آن اتحادیه مساوی است با نابودی هویت ملی و استقلال و شخصیت ملی و زیر پا گذاردن و نادیده گرفتن 1400 سال مبارزه ملت ایران برای ایرانی بودن و عرب نشدن. رهبران عرب یکسره با ایران و

ایرانی بودن و هر آنچه مربوط به ایرانی حتی به کلمه فارس مربوط می‌شود دشمنی ورزیده اند؛ ایران چند هزار سال هویت و شخصیت مستقل دارد، ایران افتخار دارد که مسلمان است ولی خیلی بهتر از عرب توانست به اسلام خدمت کند. در قصص قرآن آمده است که بابل محل کفر و مبارزه ضد خدا بوده است و کورش که پیامبر خدا در دین یهودی و دین مسیحی قلمداد شده است و در قرآن ذوالقرنین آمده است و آن بساط کفر ضدخدایی را برداشت. به کورش فحاشی می‌کنند، این انگیزه از همان جا می‌آید....."

پیروز مجتهدزاده به مسئله عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نیز از همان چهارچوب قومیت‌گرایانه افراطی فارسی پرداخته است: "ترکیه می‌خواهد وارد اتحادیه اروپا شود و می‌خواهد بگوید هویت و ملتیش اروپایی است، ولی ما می‌گوییم که این ملت ملتی است که هویت درستی ندارد. اگر هویت درستی داشته باشد، پایبند هویت خودش می‌بود."

در لزوم پیوستن ایران به "اتحادیه کشورهای عربی" (*League of Arab States*)

"اتحادیه عرب" (جامعه الدول العربیه) در سال 1945 بوجود آمد. هدف اولیه تاسیس این اتحادیه دفاع از وحدت عربی و آزادسازی سرزمین های اشغالی اعراب بود. اما اکنون این مجموعه در راه تغییرات ساختاری بنیادی بر اساس منافع سیاسی و مشترک منطقه ای است. تعداد کنونی اعضای آن 22 کشور است (اردن، امارات، بحرین، تونس، الجزیره، جیبوتی، عربستان سعودی، سودان، سوریه، سومالی، عراق، عمان، فلسطین، قطر، کومور، کویت، لبنان، لیبی، مصر، مراکش، موریتانی و یمن).

1. همسایگان جنوبی و غربی ایران را کشورهای با جمعیت عمدتاً عرب تشکیل می دهند (عراق با مرز خاکی، کویت، عربستان، قطر، امارات متحده، عمان، بحرین با مرز آبی).

2. پیوندها و درهم تنیدگی ژرف و دیرینه ی سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و تباری میان ملت‌های مختلف ساکن در ایران و اعراب بخشی از تاریخ، هویت و تمدن اسلامی ملت‌های ایران است. از آن جمله است دین اسلام، خط عربی، وجود 60%-80% لغات عربی در زبان فارسی و نقش تعیین کننده و غیرقابل انکار تبار عرب در شکل تباری قوم فارس امروزی در ایران. بخش قابل توجهی از هموطنان فارس زبان امروزی ایران به واقع گروه‌های مهاجر و یا بومی عرب (تبار) اند که به مرور زمان داوطلبانه (در قرون گذشته) و یا به اجبار (در قرن بیستم) زبان فارسی را اختیار نموده اند.

3. درصد مهمی (بین 7% الی 8%) از جمعیت ایران را هموطنان و شهروندان عرب تشکیل می‌دهند. اعراب ایران متشکل از عرب‌های استان خوزستان و مناطق عرب نشین چسبیده به خوزستان، عرب‌های جزایر و

بنادر خلیج فارس و بیش از پانصد هزار نفر عربهای استان فارس، خراسان، کرمان، یزد، بلوچستان و جنگ زده های خوزستانی مقیم کرج، تهران، اصفهان، مشهد و دیگر مناطق ایران میباشند.

4. جمعیت عرب ایران به تنهایی از جمعیت عرب بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه عرب بیشتر است. و از این منظر ایران شایستگی عضویت نه تنها به عنوان ناظر بلکه حتی به عنوان عضو اصلی اتحادیه کشورهای عرب را نیز داراست.

5. در عرصه همکاری های اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای عربی در حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا، این اتحادیه دریچه ای به روی بازار نواحی مذکور خواهد بود.

6. در سالهای اخیر به موازات بحث های بسیار جدی در میان روشنفکران و سیاسیون جهان عرب در باره توسعه سیاسی و روند دموکراسی منطقه ای تغییرات گوناگونی در ساختار اتحادیه عرب از جمله گنجاندن حقوق بشر و گسترش دموکراسی بعنوان بخشی از فعالیتهای این اتحادیه نیز در حال انجام است. اکنون به خوبی دانسته شده است که بدون تعریف و تلقی منطقه ای از روند دموکراسی در خاورمیانه، گذر به دموکراسی در کشورهای منطقه به طور منفرد غیرقابل تصور است. شواهد نشان میدهد که موضوع دموکراسی در تعاریف جدید اتحادیه عرب هم بدرستی به شکل روند و مقوله ای منطقه ای تثبیت و تعریف خواهد شد. ایران به عنوان کشوری خاورمیانه ای نمیتواند بیش از این خود را از روند دموکراتیزاسیون منطقه تجرید نماید.

7. از دگرگونی ها و تغییرات مثبت در حال انجام در ساختار و بنیان اتحادیه عرب یکی نیز حرکت به سوی اساس قرار دادن منافع متقابل و همکاری منطقه ای در قبول عضویت های جدید و کمرنگتر و بی اعتبار شدن مقولات گذشته مانند هویت ملی و منشا نژادی است. بنا به گفته عمرو موسی دبیرکل اتحادیه عرب در ماه های اخیر علاوه بر ایران درخواست های مشابهی از سوی کشورهای اتیوپی، اریتره، ترکیه و حتی از آمریکای لاتین برای پیوستن به اتحادیه عرب به عنوان عضو ناظر دریافت شده است. در چنین شرایطی عضویت ایران در همسایگی با کشورهای عربی، با وجود جمعیت بزرگ ایرانیان عرب، مسئله تروریسم اسلامی و دیگر مسائل (بند 8) در اتحادیه عرب امری بسیار معقول و منطقی جلوه میکند.

8. عضویت در اتحادیه عرب امکان تشریک مساعی، گشودن باب دیالوگ و تفاهم، تاثیر و تعدیل در سیاستگذاریهایی مانند مسئله فلسطین و اسرائیل، امنیت خلیج فارس، مشکلات موجود ایران با مصر و عربستان، آینده عراق، مسئله جزایر سه گانه عربی، تروریسم اسلامی و را فراهم خواهد ساخت. بدون ایجاد روابط مستحکم، دموکراتیک و با احترام متقابل با مصر و عربستان ایجاد روابط مستحکم با دنیای عربی فوق العاده دشوار است.

در لزوم پیوستن ایران به "مجمع تورکی توسعه و همکاری" (TIKA) و "سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه" (BSEC) و یا (KEİ)

"مجمع تورکی توسعه و همکاری" *Türk İşbirliği ve Kalkınma İdaresi Başkanlığı* در سال 1992 بوجود آمد. هدف شکل گیری این اتحادیه گسترش و توسعه تعاون و همکاری منطقه ای بین کشورهای تورک زبان، کشورهای همسایه ترکیه و دیگر کشورها در همه زمینه های اقتصادی، تجاری، اداری، تکنولوژیک و آموزشی بوده است. تعداد اعضای آن در حال حاضر 18 کشور مرکب از کشورهای شبه جزیره بالکان، قفقاز و آسیای میانه است (ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قیرقیزستان، قبرس شمالی، گرجستان، بلغارستان، اوکراینی، روسیه، رومانی، مقدونیه، مولداوی، آلبانی، بوسنی هرزگوین، مغولستان، تاجیکستان).

"سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه" *BSEC - Black Sea Economics Cooperation* - *Karadeniz Ekonomik İşbirliği Örgütü* نیز تشکیلاتی است مشابه که در همان سال تاسیس شده و دارای 20 عضو است. (اعضای آن: ترکیه، آلبانی، بلغارستان، رمانی، مولداوی، یونان، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، روسیه، اوکراینی. اعضا ناظر: اتریش، ایتالیا، آلمان، فرانسه، اسرائیل، مصر، تونس، لهستان، و سلواکی).

1. همسایگان شمالی ایران را کشورهایی با جمعیت عمدتاً تورک تشکیل میدهند (ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان با مرز خاکی، قزاقستان با مرز آبی).

2. پیوندها و در هم تنیدگی ژرف و دیرینه سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و تباری میان ملت‌های مختلف ساکن در ایران و تورک‌ها، بخشی از تاریخ، هویت و تمدن خاورمیانه اسلامی و ملت‌های ایران است. از آن جمله است مذهب تشیع (که توسط ترک‌های آسیای صغیر مذهب حاکم ایران و از جمله قوم فارس شده است)، وجود هزاران لغت ترکی در زبان فارسی، نقش تعیین کننده ترک‌ها در تشکل تباری و هویتی قوم موسوم به فارس در ایران. بخش قابل توجهی (30%-40%) از هموطنان فارس زبان امروزی ایران به واقع ترک تبارانی هستند که به مرور زمان داوطلبانه (در قرون گذشته) و یا به اجبار (در قرن بیستم) زبان فارسی را اختیار نموده اند. علاوه بر آن ایران به عنوان کشوری که بیش از هزار سال تحت حاکمیت خاندانها، ارتشها و سلسله های ترکی بوده، عملاً در دوره مذکور نقشی محوری در تاریخ و دنیای تورکی داشته است. عضویت ایران در مجمع کشورهای تورکی بازگشت به هویت اصیل و ایفای دوباره این نقش تاریخی پس از غیبتی صدساله خواهد بود.

3. ملت ترک یکی از دو ملت عمده ایران است. بخش بسیار قابل توجهی از جمعیت ایران (در منابع مختلف بین 25%-50%) را هموطنان و شهروندان ترک تشکیل میدهند. گروه‌های منسوب به این ملت علاوه بر ترک‌های استانهای آذربایجانی شمال غرب کشور (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، همدان،

اردبیل، قزوین و مناطق ترک نشین چسبیده به این استانها در استانهای مرکزی، قم، کردستان، کرمانشاهان، گیلان، تهران) شامل میلیونها تن ترک ساکن در استانهای خراسان، فارس، اصفهان، کرمان، سمنان، مازندران، خوزستان، لرستان، چهارمحال کهگیلویه، بوشهر و میباشند. همچنین ترکمنها در استانهای گلستان، خراسان و مازندران، و خلیجها، قزاقها، اویغورها و ازبک ها از دیگر گروههای تورکی ساکن ایران میباشند.

4. جمعیت تورک ایران به جز ترکیه، بیش از جمعیت تورک همه کشورهای عضو مجمع کشورهای تورکی است (ایران به لحاظ نفوس دومین کشور تورک زبان جهان است). از این زوایه ایران شایستگی آن را دارد که نه تنها به عنوان ناظر بلکه به عنوان عضو اصلی کشورهای تورکی به عضویت "مجمع تورکی همکاری و توسعه" در آید.

5. توسعه اقتصادی همانند روند دمکراسی مسئله ای منطقه ای است. به لحاظ همکاریهای اقتصادی، مجمع تورکی همکاری و توسعه و مشخصا کشورهای ترکیه، آذربایجان و ترکمنستان و دیگر کشورهای تورکی در اروآسیا، دریچه ای به روی بازار اورآسیا، آسیای میانه، قفقاز و اروپای جنوب شرقی خواهند بود. در واقع این دو سازمان از محدود امکانات واقعی ایران برای پیوستن به اتحادیه ها و سازمانهای اروپایی نیز بشمار میروند.

6. مجمع تورکی همکاری و توسعه و سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه تشکیلاتی بر مبنای نژادی و هویت ملی نیستند. مجمع تورکی همکاری و توسعه، اتحادیه ای منطقه ای مرکب از سه دسته کشورهای تورک زبان (ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قیرقیزستان، قبرس شمالی)، کشورهای همسایه ترکیه (گرجستان، بلغارستان، اوکراین، روسیه) و دیگر کشورها (رومانی، مقدونیه، مولداوی، آلبانی، بوسنی هرزگوین، مغولستان، تاجیکستان) است. در "سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه"، اکثر کشورهای عضو را کشورهای غیرتورک مانند یونان و ارمنستان تشکیل میدهند. عضویت ایران در این دو مجمع و سازمان به عنوان کشوری با جمعیت عمدتا ترک، در همسایگی ترکیه و دیگر کشورهای تورکی و نیز پاره ای مسائل سیاسی دیگر (بند 8) امری بسیار معقول، فوق العاده منطقی و مطابق بر منافع دراز مدت ملی است.

7. فعالیت و اهداف تاسیس "مجمع تورکی همکاری و توسعه" شامل گسترش همه نوع همکاری و تعاون در عرصه های اقتصادی، بانکداری، بیمه، بودجه، سیستمهای مالیاتی، تجارت خارجی، تکنولوژی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و است. عرصه هایی که توسعه و گسترش آنها، زیربنای توسعه سیاسی و گسترش ساختار دمکراتیک در منطقه نیز میباشند.

8. عضویت در مجمع کشورهای تورکی امکان تشریک مساعی، گشودن باب دیالوگ و تفاهم، تاثیر و تعدیل در سیاستگذاریهایی مانند مسئله اشغال قره باغ توسط ارمنستان، امنیت دریای خزر، مشکلات موجود ایران با ترکیه و آذربایجان، آینده عراق و افغانستان (هر دو با جمعیت قابل توجه تورک خواهان به رسمیت شناخته شدن حقوق ملی خویش)، مسئله چاههای نفتی و تقسیم منابع زیرآبی دریای خزر، بنیادگرایی و تروریسم اسلامی و را فراهم خواهد ساخت. بدون ایجاد روابط مستحکم با ترکیه، نیز آذربایجان، ایجاد روابط دوستانه با دنیای تورکی بسیار دشوار خواهد بود.

از دیگر فوائد پیوستن ایران به اتحادیه های منطقه ای تورکی و عربی:

- گردهمایی و همکاری کشورها در مجموعه های منطقه ای که به سرعت در سطح جهان در حال گسترش است به هیچ وجه ناقض هویت ملی و یا نافی استقلال ملی نیست. همانطور که عضویت و همکاری فرانسه لاتین، آلمان ژرمن، مجارستان اورالیک و یا مالتای سامی در اتحادیه اروپا به نفی هویت یکدیگر منتهی نشده است. پس از عضویت روسیه در کنفرانس کشورهای اسلامی به عنوان عضو ناظر - به سبب داشتن اقلیت مسلمان، همسایگی با کشورهای اسلامی، مسئله ترور اسلامی، منافع ملی و دیگر ملاحظات - عضویت ایران در "اتحادیه عرب"، "مجمع تورکی توسعه و همکاری" و یا "سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه" و نیز از الزم واجبات است.

- روند دمکراتیزاسیون تدریجی در داخل ایران باعث تمثیل و اشتراک هر چه بیشتر هموطنان به حاشیه رانده شده ترک و عرب در تعریف هویت ایرانی و سیاستهای کلان دولت و - دیر یا زود - منجر به رسمی شدن زبان عربی در مناطقی که هموطنان عرب در آن مناطق از جمعیت قابل توجهی برخوردارند، همچنین اعلام زبان سراسری ترکی به عنوان یکی از دو زبان رسمی دولت مرکزی ایران خواهد شد. و بدنبال آن نتیجه منطقی گسترش و نهادینه شدن دمکراسی در ایران از جمله این خواهد بود که هویت های ترکی و عربی ایرانیان ترک و عرب نیز به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از هویت ایرانی، منافع و ملاحظات پایه ای ایران و مولفه های اصلی سیاستهای منطقه ای و خارجی آن پذیرفته و تلقی گردد. بهبود وضعیت ملت های ترک و عرب در ایران به تلطیف روابط ایران با به ترتیب دنیا و کشورهای تورکی و عربی، و به عکس مستحکمتر شدن روابط با کشورهای تورکی و عربی به بهبود وضعیت شهروندان ایرانی ترک و عرب یاری خواهد رساند. عضویت ایران در اتحادیه کشورهای عربی و مجمع تورکی توسعه و همکاری و روندهای لابد فوق را تسریع خواهد نمود.

- عضویت ایران در اتحادیه کشورهای تورک و عرب، باعث دور شدن و پاکسازی ایران از اندیشه های نژادپرستی آریایی، رسوبات باستانگرایی - کورشیسم استعمار ساخته پهلوی و تضعیف سیاستهای قومیت گرایی افراطی فارسی حاکم بر بخشی از دولتمردان، مقامات و بروکراتهای فارس خواهد شد.

- این عضویتها همچنین به دور شدن از سیاستهای ضدعربی و ضدترکی دولت پهلوی در ایران -کشوری محصور بین کشورهای عرب و تورک- در سده بیستم کمک خواهد نمود. سیاستهای ضدملی ای که ایران را منحصرأ مترادف با فارس میداند (مشابه آنها را در بیانات پرویز مجتهدزاده شاهد بودیم) و مردم و کشور ایران هزینه های فوق العاده زیانبار آنها را متحمل شده و میپردازند.

سیاستگذاران و مسئولین کشور کثیرالمله ایران باید هر حرکت و تصمیمی که ایران را به سمت جهان عربی و دنیای تورکی نزدیک میسازد پیگیرانه دنبال کنند. روابط حسنه و پیوندهای مستحکم بین ایران و کشورهای منطقه و جهان اسلام و در این میان اتحادیه عرب و مجمع کشورهای تورکی هم به نفع ایران، هم به نفع اعراب و اتراک خارج و داخل و همه دیگر ملت‌های ایرانی و هم به نفع توسعه و ثبات کل جهان اسلام و خاورمیانه است.